

هکاتوم پلیس؛ شهر افسانه‌ای جاده ابریشم

در گذشته شهرهایی که تعداد دروازه‌های آن از ۵ بیشتر بوده صدروازه نامیده می‌شد

هنوز باستان‌شناسان در جست‌وجوی پایتخت اشکانیان، قومس یا همان شهر صدروازه (هکاتوم پلیس) هستند. براساس پژوهش‌های انجام شده ۲ شهر مهم در زمان اشکانیان وجود داشته که موقعیت آن به‌طور دقیق مشخص نیست و می‌گویند در ایالت قومس که مرکز آن دامغان فعلی بوده قرار داشته، اما هنوز هم در میان باستان‌شناسان اختلاف‌نظری در مورد موقعیت جغرافیایی پایتخت اشکانیان وجود دارد، ولی آثار و بقایای کشف شده از روستای قوشه و دیگر مناطق تاریخی شهر دامغان وجود تمدن اشکانی را روی تپه‌های این روستا به اثبات رسانده است.

نمی‌کردند و سود سرشار حاصل از تجارت، به تمام شهرهایی که در مسیر این جاده قرار داشتند، تزریق می‌شد. این همه قلعه، آب‌انبار، کاروانسرا و دژهای نظامی نشان از رونق و امنیت این جاده در آن دوران دارد. بعد از سقوط سلسله هخامنشیان، سلوکیان به مناطق شرقی قلمروی خود توجه چندانی نکردند و این امر سبب شد خاندان‌هایی، نواحی شرقی ایران را به دست گیرند که یکی از آنها اشکانیان بودند که بر شهرهای مهم ایران آن دوران تسلط پیدا کردند. ایالت قومس یا همان هکاتوم پلیس (دامغان فعلی) اصلی‌ترین گلوگاه ورودی جاده ابریشم در گذشته بوده و بازرگانان به اجبار باید از آن عبور می‌کردند.

بعد از کاروانسرای آهوان، قلعه‌ای از دور دیده می‌شود و مسیری فرعی در کنارش ما را به روستایی می‌برد که اسراری پنهان دارد؛ روستایی به نام قوشه در ۳۰ کیلومتری دامغان که ویرانه‌های شهری عظیم به مساحت ۴ کیلومتر در آن وجود داشته و حجم وسیعی از سفالینه‌های بیرون آمده از خاک، گویای شهری مهم در این منطقه است که ظاهراً در زلزله ویرانگر سال ۸۵۶ میلادی به‌طور کامل ناپدید شده است.

می‌گویند داریوش سوم هخامنشی در همین نزدیکی‌ها به دست اسکندر مقدونی کشته شد. امپراتوری پنهان و هخامنشیان آنقدر گسترده و ثروتمند بود که بازرگانان، مالیات چندانی پرداخت



عکس: آریا املی

بقایای تپه‌های اشکانی روستای قوشه



عکس: رضا میرزایی

بومگردی شیرآشيان - روستای شیرآشيان

اگر این منطقه را قومس یا همان پایتخت اشکانیان در نظر بگیریم به علت وجود شاخه فرعی از جاده ابریشم به نام راه شاهی که توسط داریوش بزرگ هخامنشی در سرتاسر ایران ساخته شده بود، گلوگاه اصلی جاده ابریشم که همان شهر معروف اشکانیان است دارای ورودی‌های متعددی بوده که حاکمان برای حفظ امنیت دروازه‌هایی کوچک برای کنترل جاده و گرفتن باج و خراج در مبادی ورودی شهر ساختند تا به امور مربوط به تجارت و کاروان‌های این مسیر رسیدگی شود و همین دروازه‌ها اینجا را به هکاتوم پلیس تبدیل کرده که اکنون اثری از آنها باقی نمانده است. از شهر صدروازه در نوشته‌ها و کتب تاریخی اطلاعاتی به دست آمده، اما در مورد موقعیت آن هنوز سندی دقیق در دست نیست.

شعله‌های سوزان آفتاب کویری زبانه می‌کشد و آن قدر آثار تاریخی دوره‌های مختلف در این روستا وجود دارد که دیدن و بررسی همه آنها زمان زیادی می‌برد؛ از قوشه خارج شدیم و قرار است برای استراحت به خانه ۸۰۰ ساله‌ای برویم که حالا یک اقامتگاه بوم‌گردی زیبا شده است.

دوربرگردانی قبل از دامغان تا روستای تاریخی شیرآشيان می‌رود که قلعه‌ای تاریخی در ابتدای آن جلوه‌گری می‌کند. هنوز روستا بافت تاریخی‌اش را حفظ کرده. مسیرهای باریک در کوچه پس‌کوچه‌هایی با دیوارهای کاهگلی قلعه‌ها و باغ‌های پسته در اطراف‌مان، ما را به سفری در تاریخ می‌برد. با اینکه مسیر بوم‌گردی را گم کرده‌ایم، اما چرخیدن در روستا حسی عجیب دارد. اقامتگاه شیرآشيان خانه‌ای قدیمی با هجره‌هایی تودرتو و حیاطی کوچک با درختان پسته و گل‌های شمعدانی است. از دالانی مسقف، وارد حیاط شدیم و وسایلمان را داخل یک اتاق مربع‌شکل با هجره‌ها و سقفی گنبدی‌شکل گذاشتیم. نسیمی ملایم پارچه رنگی جلو در را می‌رقصاند و شربت‌نی خنک با طعمی خاص انتظارمان را می‌کشید. باید قبل از غروب خورشید برج و باروی شهر را می‌گشتیم و شب را در خنکای اتاق ۸۰۰ ساله‌مان به صبح می‌رساندیم.